

چهاردهمین سالگرد دهم شهریور

قتل عام دست کم پنج هزار زندانی سیاسی به دستور خمینی در شهریور ۱۳۶۷ نمودار برجسته ذات و فطرت جمهوری اسلامی و شیوه حکومت آن از آغاز تا به امروز است. فاجعه شهریور، «حادثه» نبود، مرحله دیگری بود از اعدام‌های جمعی سال شصت؛ که در شکل آدم ربائی و ترورهای سیاسی ادامه پیدا کرد. کشتن کمونیست‌های زندانی به انتقام حمله نظامی مجاهدین از عراق؛ کشتن زندانیانی که به مدت معینی حبس محکوم شده بودند؛ کشتن زندانیانی که اصلاً محکوم نشده و بلا تکلیف بودند... این‌ها همه نشانه‌های نهایت بربریت و جنون یک رژیم سفاک و ظالم بودند؛ اما کشتن آنان بخاطر ندامت نکردن، یا آنطور که در مورد کمونیست‌ها کردند، تنها بخاطر تن ندادن به مذهب، نماد یک فاشیسم مذهبی بود که نه تنها حقوق بشر، آزادی عقیده و بیان، حقوق مدنی و شهروندی و آزادی‌های فردی را لگدگوب می‌کرد، بلکه دین و آئین خاصی را با جبر و از موضع قدرت دولتی می‌خواست بر جامعه تحمیل کند. آنچه که این رژیم مذهبی در زندان‌ها می‌خواست پیاده کند، چیزی بود که بر کل جامعه می‌خواست تحمیل کند؛ با این تفاوت که زورش به جامعه نمی‌رسید ولی می‌پنداشت که با تازیانه و شکنجه از پس بندیان اسیر برخواهد آمد! اما زندان هم عصا جامعه بود و مقاومت مردم، همچون اشعه آفتاب که از عدسی بگذرد، در مقاومت سوزاننده زندانیان، کانونی می‌شد و ریش و ریشه حاکمان را در قلعه قدرت و قلدری مطلق شان به آتش می‌کشید.

حکومت اسلامی برای نجات خود از شر زندانیان سیاسی، زندان را به دریای خون تبدیل کرد؛ اما زندانیان هم با «نه» سنگین خود سنگی بر پای او بستند و در دریای خون خویش به زیر اش کشیدند. اگر آئین مردم خون‌های جاری از کامیون‌های گوشت را که اجساد نیمه جان را از زندان‌ها بیرون می‌بردند، ندیدند، امروز همه می‌بینند که رژیم اسلامی در خون‌هایی که ریخته است، دارد غرق می‌شود.

اگر آیت الله منتظری در آن روزها به اعدام کردن غیر محکومین اعتراض کرد (و خواهان اعدام کسانی شد که بعد از محاکمه به مرگ محکوم شوند)، سکوت اصلاح طلبان حکومتی تا به امروز در باره آن قتل عام فجیع و خودداری شان از افشاء و محکوم کردن آن، نشان داد که استثنای منتظری، اثبات قاعده در حکومت اسلامی است. آن دسته از اصلاح طلبان هم که سهم و نقشی مستقیم در آن کشتار ظالمانه نداشته‌اند، با کتمان آن فاجعه و فرار از تقبیح اش، در پی توجیه آن بوده‌اند. مردم ایران این سکوت توجیه‌گرانه را بر آنان نخواهند بخشید.

هرچند طبیعت جمهوری اسلامی حکم بر اضمحلال و مرگ این رژیم داده و آفتاب اش بر سر بام رسیده است، اما حتا اگر شده بعد از سقوط آن، سران این رژیم باید به جرم این جنایت علیه بشریت، محاکمه و مجازات شوند.

در چهاردهمین سالگرد دهم شهریور، ما مقاومت حماسی قربانیان قتل عام ۶۷ در زندان‌های ایران را پاس می‌داریم؛ به خاطر عزیز آنان درود می‌فرستیم؛ و با بازماندگان شان همدردی می‌کنیم.

ما خواهان آزادی‌های بی‌قید و شرط سیاسی؛ ممنوعیت شکنجه؛ لغو مجازات اعدام؛ و آزادی فوری و بی‌قید و شرط همه زندانیان سیاسی و عقیدتی هستیم!